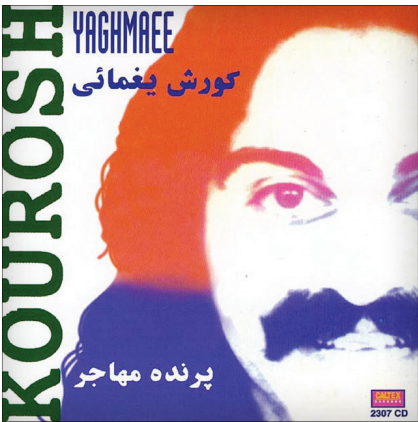


حسین منزوی انجام داده بود، موردتوجه قرار گرفت. ارضضا میان شعر منزوی و وضعیت یغمایی، شباهتی نیز انگار وجود داشت. شاید به‌همین دلیل یغمایی ترجیح داده بود در آغاز این اثر، متنی را نیز با بیان خود دکلمه کند: «می‌گویند پلنگ را خوی غریبی است، که هیچ‌کس و هیچ‌چیز را بالاتر از خود نمی‌تواند دید. در شب‌های بدر کامل، دیدار ماه بلندتر، پلنگ را به خشم و جنونی می‌کشاند که از سنگ‌ها و صخره‌ها برچهد و حریف گستاخ را از افلاک به خاک فرو کشد. فاجعه زندگی پلنگ نیز وقتی شکل می‌گیرد که می‌پندارد در جهشی از فراز قله بر ماه دست خواهد یافت، اما غرور شکسته پلنگ وقتی به باطل بودن خیالش پی می‌برد، که به خیره، چنگ در هوا زده و نومید و خسته با استخوان‌های درهم‌شکسته از پرواز بی‌ثمرش بر صخره‌های تیز، فرو افتاده است و زخم‌های مهلک‌اش مهتاب را به خون می‌آلاید.»

منزوی، یغمایی را می‌سرود

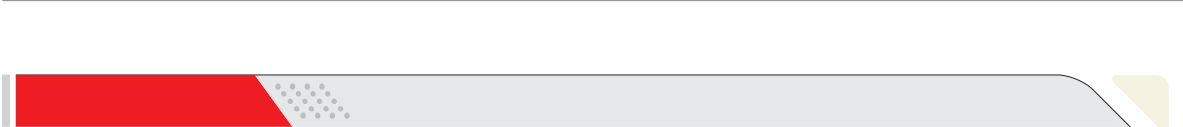
یغمایی از منظری، پلنگ موسیقی ایران بود که در برخی آثارش ارضضا فاتح ماه نیز شد.
مروری بر کارنامه او در سال‌های بعد در آلبوم‌هایی نظیر «کابوس» و «تفنگ دسته نقره» نشان می‌دهد، میان او و ذهنیتی که در شعر منزوی وجود دارد، قرابت‌هایی روحی وجود دارد و انگار منزوی آن، شاعری است که یغمایی را می‌سراید. نتیجه این همکاری نیز البته گاه بسیار زیباست.
باین‌همه آن‌وبراین که منزوی به‌سویش رفت، هیچ‌گاه در یغمایی پدیدار نشد و این گونه او توانسته است در دهه‌های اخیر نیز با آلبوم‌های «ملک جمشید» و «یاغی» در موسیقی خودمارست ورزد.
مهم‌ترین اتفاق برای یغمایی در این میان اما انتشار آلبوم «بازگشت از لیه پرتگاه» در آمریکا بود؛ اثری شامل بازنشر تک‌آهنگ‌های دهه ۵۰ کورش یغمایی با بهترین کیفیت که هم اهمیت تلاش‌های آغازین او را بار دیگر به‌یاد آورد، هم به جهانی‌شدن صدایش کمک کرد.
با همه این تفاسیر، با اعلام خبر خداحافظی یغمایی، بار دیگر این پرسش پیش می‌آید که راهی که او کوبید و هموار کرد، چه سرانجامی خواهد یافت؟



موسیقی، توجه و تحسین کارشناسان خارجی را جلب کرده است. تفصیل این افتخارات بارها نوشته‌شده و قصد تکرارشان را ندارم اما می‌توان حدس زد که هنرمند ما همیشه حاضر بوده که آن دستاوردها را تاخت بزند با شریاطی امن و آرام در کشورش، برای ارائه هنرش به هموطنانش. کمترین حق مسلم او را هنوز هم به او نداده‌اند و هرگز ندانستیم هنرمندی که طی ۸۰ سال زیست موثر، کمترین حاشیه‌ای از لحاظ اخلاقی و سیاسی نداشته، چرا باید این‌گونه مورد تمیزی و محرومیت بی‌جا قرار بگیرد و از اصالت شخصیت او، از نجابت فطری او و از سکوت و بردباری بی‌جنجال او سوءاستفاده شود؟

روزی از یغمایی عذرخواهی خواهد شد

بی‌تردید، روزی روزگاری، تاریخ‌نگاری انتقادی اجتماعی در حوزه موسیقی، این واقعیت تلخ را به چالش خواهد کشید، مسببان آن را محکوم و از عالیجناب کورش یغمایی، عذرخواهی خواهد کرد. گرچه او نیازی به این حرف‌ها ندارد و راست‌اش برای عذرخواهی هم خیلی دیر شده است. افزون باد زندگانی این سرو هنرمند.



سر بلندی موسیقی ایرانی در جهان

موسیقی کورش یغمایی در صدادهی و لحن، فولک‌راک را برای شنونده غربی تداعی می‌کند



کورش یغمایی تا پیش از انتشار گسترده و جهانی آلبوم «بازگشت از لیه پرتگاه» در سال ۱۳۹۰ که اجراهای شاخص او در دهه ۵۰ خورشیدی را در برداشت، خواننده و موزیسینی بود که ازمنظر شهرت و محبوبیت، جایگاهی معمول در مارکت ایرانی یافته بود. شناخت مخاطب ایرانی از او محدود به همان چند ترانه شاخص مانند «گل بخ» و «هوار هوار» بود. محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های دهه ۱۳۶۰ خورشیدی در دوران طلایی موسیقی راک دهه ۸۰ جهان و دوری نسبی مخاطب ایرانی از آن فضای مهم و به‌تغی آن، ناآشنایی این مخاطب با آن شکل و ژانر از موسیقی جهان باعث‌شده بود که چهره مهمی مانند یغمایی نیز عرصه را به ستارگان پاپ و شش‌هشت‌های مرسوم آن زمان واگذار کند. البته اتفاق نادر دریافت مجوز چند آلبوم در اوایل دهه ۱۳۷۰، مخاطب بیشتری را با او و آثارش آشنا کرده بود، اما توجه جدی یک کمپانی غربی به موسیقی کورش یغمایی و آشنایی مخاطب بین‌المللی با آثار او بود که اهمیت یغمایی را در تاریخ موسیقی ایران بیش ازپیش نشان داد.

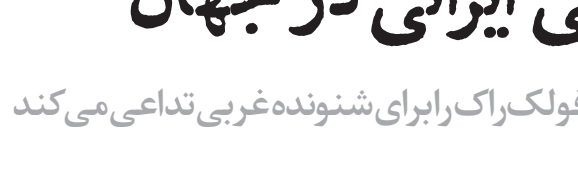
بااینکه موسیقی راک در همان تعریف کلی خود در ایران کارورزانی جدی داشت و گروه‌های کوچک در دهه ۴۰ خورشیدی (ازجمله گروه راپچرز با سرپرستی یغمایی) با جدیت به این نوع موسیقی می‌پرداختند اما پس از ۴۰ سال از اوج و فرود موج‌های اولیه انواع موسیقی راک در ایران و جهان، این آثار آن دوره کورش یغمایی بود که توجه صاحبنظران موسیقی آن زمان را جلب کرد و بازنشر قطعاتش با استقبال مخاطب غربی مواجه شد.

اهمیت آشنایی با موسیقی ایرانی

اما تفاوت کورش یغمایی با دیگر کارورزان مدعی موسیقی راک نسل خود، چه بود و چه ویژگی‌هایی باعث شد او بالاتر از دیگر رقبا در موسیقی راک ایران بر صدر بنشیند؟ شاید اولین ویژگی او آشنایی با موسیقی ایرانی، ساز سنتور و تسلط بارزش بر نوازندگی گیتار به نسبت دیگران و خلق نوعی موسیقی فولک‌راک بود که او را از انواع کاورهای مرسوم متمایز می‌کرد. موسیقی یغمایی لحنی ایرانیزه‌شده دارد؛ لحنی که مخاطب ایرانی به‌دلیل عادت شنیداری‌اش آن را بر جرسته نمی‌شنید، اما مخاطب کنج‌کاو غربی این تفاوت ویژه را بسیار بر جرسته می‌دید. در موسیقی راک دهه ۱۹۶۰ میلادی عنوان «سایدلیک» در مقطعی به برخی اجراهای راک گروه‌های بزرگ داده شد؛ عنوانی که فارغ از کاربردها و فضاهای اجرایش، در سازبندی به موسیقی فولک‌راک نزدیک بود و در این سازبندی از سازهای شرقی به‌شکل شاخصی استفاده می‌شد. به‌همین دلیل است که موسیقی کورش یغمایی خواسته یا ناخواسته در صدادهی و لحن، سایدلیک‌راک و فولک‌راک را برای شنونده غربی تداعی می‌کند.

کلامی متفاوت برای غربی‌ها

ازطرفی، کلام فارسی ترانه‌های یغمایی نیز مانند انواع دیگر موسیقی



باکلام ایرانی، برای مخاطب غیرایرانی متفاوت و گاه بسیار جذاب جلوه می‌کند و تلفیق این کلام با موسیقی و اجرای یغمایی، وجه تمایز دیگری به آثارش می‌دهد. کورش یغمایی از همان ابتدای فعالیت‌اش با انتخاب اشعار و ترانه‌هایی متناسب، نشان داده است که حتی در استفاده از واژه‌ها نیز بسیار به ژانر و فرم می‌اندیشد. باین‌حال در موسیقی راک ایرانی از اساس، کیفیت ادبی و هنری کلام در عمده‌ی اوقات قربانی واژه‌پردازی‌های متناسب با اکسنت‌های فرمی شده است و نمی‌شود کلام موسیقی کورش یغمایی و در شکل کلی، کلام موسیقی راک ایرانی را هم در عمده‌ی مواقع، کلام باکیفیتی تلقی کرد.

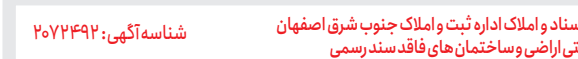
به‌گمانم، باتوجه به ساختار موسیقی راک، بهترین شیوه ترانه‌سرایی در این ژانر، نوشتن کلام روی موسیقی است که تا امروز نمونه‌های موفق کمی را شنیده‌ایم. موضوع، مضمون و محتوای ترانه‌های راک ایرانی نیز به نسبت عرف راک جهانی بیشتر درگیر عاشقانه‌ها و کمتر حاوی معانی اعتراضی، اجتماعی و انتقادی بوده است و تأثیر محدودیت‌ها و سانسور، ژانر راک ایرانی را ازمنظر کلام چیزی شبیه پاپ‌های مرسوم و حتی به‌دلیل محدودیت‌های فرمی بسیار ضعیف‌تر از آن‌ها کرده است. اما با تمام این اوصاف اگر بخواهیم بهترین نمونه‌های کلام موسیقی راک ایرانی را مثال بیاوریم، باید سراغ چند نمونه از اجراهای قدیمی کورش یغمایی برویم که بر جرسته‌ترین آن‌ها «گل بخ» «سروده دوست دیرین او، مهدی اخوان لنگرودی است.

موسیقی تلفیقی یغمایی

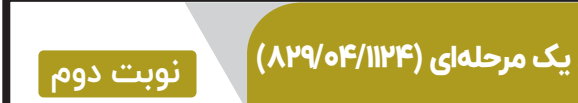
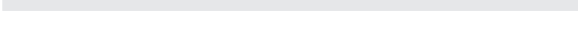
موسیقی کورش یغمایی ازطرفی نوعی موسیقی تلفیقی است؛ تلفیقی که هوشمندانه و متکی بر دانش و تجربه است. به‌همین دلیل است که او بارها در رسانه‌ها از عمده اجراهای موسیقی مدعی تلفیق انتقاد می‌کند. او به‌خوبی تفاوت مخلوط‌کردن سازها با تلفیق درست و هارمونیک موسیقی ایرانی و غربی را می‌داند و تلاش کرده است ما را با این تفاوت‌ها آشنا کند. همین آگاهی او از فضای غیرحرفه‌ای موسیقی، باعث شده است که او هیچ‌گاه تحت‌تأثیر موج‌های مختلف موسیقی در مقاطع مختلف نباشد و مسیری مستقل را طی کند. انتقاد او حتی شامل فضای کلی موسیقی پاپ ایرانی هم شده و همیشه از فاصله کیفی عجیب پاپ ایرانی با پاپ دنیا، گلایه کرده است و این فاصله را مایه سرافکندگی می‌داند.

پایان یک مسیر طلایی

تمام این ویژگی‌ها در کنار کاراکتری هماهنگ با سبک اجرایی، دوری از مارکت رنگارنگ پاپ‌معاصر و حضور پیدانکردن در جمع خارج‌نشینان، او را تبدیل به چهره‌ای خاص در موسیقی ایران کرده است. در تاریخ موسیقی ایران، کمتر چهره‌ای با ویژگی‌های کورش یغمایی ظهور کرده است؛ چهره‌ای که در تمام‌دوران فعالیت حرفه‌ای‌اش به مسیر و سبک منحصر‌به‌فردش پشت نکرد و با همت بسیار، محدودیت‌ها و بی‌مهری‌ها را به‌انهی توقف و سکوت ندید. همواره در بالاترین سطح به خلق آثار درخشان پرداخت و در مارکت جهانی، نامی پراآوازه از خود ساخت. خداحافظی کورش یغمایی با فعالیت حرفه‌ای، پایان یک مسیر طلایی در موسیقی راک ایرانی است؛ مسیری که باتوجه به شرایط امروز موسیقی ایران و جهان، دیگر قدم‌نهادن در آن هم بعید جلوه می‌کند. نام کورش یغمایی، سربلندی موسیقی جهانی ماست؛ نامی که تا همیشه بر تارک موسیقی راک این سرزمین خواهد درخشید.



آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابررای شماره ۵۹۶۳۰۳۳۰۴۶۴۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس متقیان به شماره شناسنامه ۷۲۸ که ملی صادره فرزند خیبر در قسمتی از شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۳/۷۴ مترمربع پلاک شماره ۱۱۴۵ فرعی از ۲۳۴۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۶ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تایید (انتقال عادی ومع الواسطه از طرف محمد علی زنادی که به موجب دفتر ۶ صفحه ۳۳۶ املاک قسمتی از پلاک به نام ایشان می باشد) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۹/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰
حمیدرضا خسروی - رئیس ثبت اسناد و املاک



مزایده فروش یک باب منزل سازمانی فرسوده شرکت پالایش گاز بیدبلند در سال ۱۴۰۴
به مجوز درخواست درج آگهی با شماره (۵۳/۲۰۴/۷۵۲) مندرج در سایت ملی مناقصات
شرکت پالایش گاز بیدبلند در نظر دارد مزایده فروش یک باب منزل سازمانی فرسوده شرکت پالایش گاز بیدبلند در سال ۱۴۰۴ را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند، علاقه مندان به شرکت در مزایده فوق می توانند جهت دریافت اطلاعات کامل به سامانه ستاد مراجعه نمایند.

کد ستادی مزایده: ۰۰۴۰۹۳۲۰۵۰۰۰۰۲۹

توجه: هزینه های حمل و نقل، باربری، تخریب و... برعهده برنده مزایده می باشد
بازگشایی پاکات مزایده در صورتی که تعداد پیشنهاد دهندگان حداقل دو پیشنهاد مالی باشد انجام خواهد شد.

توضیحات ضروری: مزایده گران می توانند جهت بازدید در تاریخ تعیین شده مندرج در سامانه ستاد ایران در پالایشگاه گاز بید بلند حضور فرمایند.

۱	مهلت دریافت اسناد مزایده	۱۴۰۴/۰۹/۱۱ ساعت ۱۲:۰۰
۲	آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۱۴۰۴/۰۹/۲۵ ساعت ۱۲:۰۰
۳	زمان بازگشایی پاکات	۱۴۰۴/۰۹/۳۰ ساعت ۱۲:۰۰

روابط عمومی شرکت پالایش گاز بیدبلند

شناسه آگهی: ۲۰۶۴۳۷

نماد توفیق

و ناکامی راک ایرانی



از موسیقی محیط‌های تفرج طبقه متوسط در تهران دهه ۴۰، در ۱۵ سال اخیر بارها نوشتم. اینکه صدای غالب این فضاها، گروه‌های بیت بودند؛ گروه‌های راکی که به‌دلایلی آن‌ها را بعنوان گروه‌های بیت یا گروه‌های جاز می‌شناسیم که واکاوی این اسم گذاری خودش یک مثنوی هفتادمن است که باشد به‌وقت‌اش. در این‌دهه بسیاری فعال بودند ولی شهرت زیاد متعلق به بلک‌کتس، تک‌خال‌ها، گلدن رینگر، اعجوبه‌ها، ب.پ. فلاوی و چند گروه دیگر بود. گروهی که کورش یغمایی در آن سازی می‌زد: «راپچرز» گروه مطرحی نبود. اما یک حرکت جسورانه کورش یغمایی او را به شهرتی فزاینده رساند؛ خواندن ترانه «گل بخ» در سال ۱۳۵۱. یغمایی پس از این ترانه دیگر یک ستاره بزرگ بود. قصد نوشتن از «گل بخ» نیست. از آن بسیار نوشتند و خواهند نوشت. اما یغمایی با خواندن یک ترانه ساده روی میزان ساده، چهار چهارم عملاً اولین ترانه بزرگ (مگا‌هیت) موسیقی عامه‌پسند ایران با فرم استاندارد راک را خلق کرد. گروه‌های بیت چندان علاقه‌ای به فارسی و به‌اصطلاح اورجینال خواندن نداشتند. حتی اگر ترانه‌های فارسی هم می‌خواندند. که کم بود. اغلب ملودی‌های فولک را با تنظیم‌راک بازخوانی می‌کردند. خیلی کم بودند گروه‌هایی مثل مهاجمان که «رقص رقص رقص» را در نیمه اول دهه ۴۰ با ترانه‌ای اورجینال به فارسی خواندند. همین ترانه هم بعد از حدود پنج‌دهه، برای علاقمندان به این شکل موسیقی، بدل به موضوع شد.

قبل از «گل بخ» یغمایی، ترانه‌هیت بزرگ موسیقی این جریان «ای یار بلا» از گروه گلدن‌رینگ بود که یک شیش هشت خالی بود. سال‌ها بعد هم سعید دبیری (که ترانه را سروده و ملودی کلام را ساخت) گفت که من می‌خواستم یک شیش هشت باباکرمی بسازم. آرایش سازها، راک بود ولی صدادهی گروه به‌قول خود استاد دبیری، خیلی باباکرمی بود و به‌نظر می‌آید تأثیر قابل توجهی بر موسیقی پاپ (موسیقی با ادوات غیرایرانی و کلام فارسی) بعد از خودش گذاشت. این اتفاق در سال ۱۳۴۶ رخ داد.

جریان بیت‌بندها به‌تدریج در اواخر دهه ۱۳۴۰ به حاشیه رفت و جای خودش را داشت به ترانه‌هایی می‌داد که شهباز قنبری از آن با عنوان ترانه نوین یاد می‌کند؛ ترانه‌های که آن اوایل، بیشتر از استودیو پنتون و برنامه‌های تلویزیونی مثل «زنگوله‌ها» بیرون می‌آمد. یعنی همان جریانی که صدای غالب پاپ دهه ۱۳۵۰ خورشیدی شد. این جریان به‌واسطه رویکرد خاصی که در تنظیم‌ها داشت، چندان قرابت مستقیمی با موسیقی راک پیدا نکرد. اغلب آن‌ها دست کم ارکستر زهی داشتند و پیانو و ویولن، سازهای مهم آن بودند. گیتار الکتریک، آن شخصیت غالب و بیسیک را در این موسیقی نداشت ولی کورش یغمایی را همه‌با آن گیتار الکتریک‌اش می‌شناختند. هر ویدئویی هم که از او منتشر می‌شد، گیتارش در دستانش بود.

کورش یغمایی شاهد عجیبی بر توفیق و عدم‌توفیق موسیقی راک در ایران است. یعنی هم شهرت فزاینده او و فرزندش را می‌توان معیاری بر محبوبیت موسیقی راک در ایران دانست و هم استثنابودن یغمایی‌ها را می‌توان نشانه‌ای بر عدم‌قبولیت این موسیقی در ایران دانست. البته منظورم در ابعاد بسیار گسترده است؛ چون راک ایرانی اتفاقاً امروز پویاتر از گذشته است، ولی محملی برای ارائه به مخاطب ندارد. این یحث را که راک در ایران مقبولیت گسترده ندارد، می‌توان بیشتر ناظر به پیش از انقلاب دانست هرچند که در سال ۱۳۴۶، سی‌هزار مخاطب تهرانی به امجدیه رفتند تا در فستیوالی شرکت کنند که صدای غالب آن راک بود. مسئله موسیقی راک در ایران بحثی پیچیده است و به آسیب‌شناسی خاص خودش نیاز دارد. ولی به‌هرروی کورش یغمایی پدیده‌ای بود که با ترانه فارسی‌خواندن در فرم و ساختار موسیقی راک، چهره یگانه و مهمی در این جریان بود و باقی ماند. کورش یغمایی در این سال‌ها ایران ماند، زندگی کرد و کار کرد. به زودی هم آلبوم جدیدی را ارائه می‌دهد. در سال ۱۳۹۷ آلبوم «ملک جمشید» را روی تلگرام برای علاقمندانش در ایران منتشر کرد و چه‌حیف که چهره‌ای بزرگ از دوران طلایی پاپ ایران در پیش از انقلاب، ۴۷ سال است که در وطن مانده ولی یکبار هم روی صحنه نرفته است. حدود ۱۰ سال پیش از یکی از دوستانم که به خانواده یغمایی نزدیک است، پرسیدم که چرا استاد فعالیت رسمی نمی‌کنند؟ گفت یغمایی معتقد است که چه‌کسی در دفتر موسیقی ارشاد این صلاحیت را دارد که به من بگوید، کار بکن یا کار نکن؟ نمی‌دانم ذهنیت خود رفیق ما بود یا واقعاً یغمایی این نکته را گفته بود اما خالق لحظه‌های مهمی در موسیقی عامه‌پسند معاصر، سال‌ها به‌دلیل پاسخ ساده و سراسرت این پرسش، مجوز نگرفت. ولی شاید خیلی زودتر از این‌که کار از کار بگذرد، کسی باید از متولیان فرهنگی می‌پرسید: چه‌کسی می‌تواند به یک هنرمند بگوید این‌کار را بکن یا آن‌کار را نکن؟